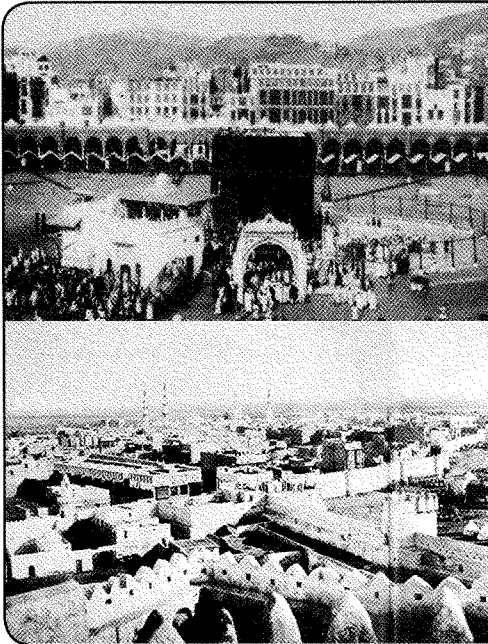




# اماکن و آثار



وضعیت اماکن تاریخی

مکه و مدینه

در ۲۴۰ سال پیش

ملا مهدی نراقی / حسین والقی

فقیه بزرگ، ملا مهدی نراقی (۱۲۰۹ق.)، رساله‌ای نگاشته به نام «مناسک مکّه» که تاکنون چاپ نشده است. وی در آن تألیف گرانسنگ ۶۵ صفحه‌ای، افزون بر پرداختن به مسائل فقهی حج و آداب زیارت، با تحقیق میدانی، از جای‌ها و اماکنی که در زمان وی موجود بوده، دیدار می‌کند و با ذکر جزئیات و نشانه‌ها، به معرفی آن‌ها می‌پردازد و این ویژگی، ارزش سخن او را چند برابر می‌کند. به دلیل اهمیت، این بخش از رساله یاد شده را گزینش نموده و به عاشقان حرمین شریفین تقدیم می‌کنیم.

از این رساله، فقط یک نسخه خطی می‌شناسیم که به دلیل بی‌دانشی نسخه‌پرداز، اغلاطی به آن راه یافته است. لیکن به دست یک محقق آشنا به مصادر و آگاه به اماکن حرمین مکرمین، قابل تصحیح و چاپ است و اگر نسخه دوّمی از آن پیدا شود کار تحقیق آسان خواهد شد، بدان امید...!

این نسخه یگانه ارزشمند، اکنون در تملک آقای افشین عاطفی، فعال عرصه فرهنگ و

نشر در کاشان است و تصویر آن در مرکز احیای میراث اسلامی قم موجود است. مؤلف در این رساله، از «صروره»؛ کسی که نخستین سفر حجّ اوست، به «نو حاجی» تعبیر می‌کند. وی در مقدمه می‌نویسد: «چون این تألیف در مکه مکرمه به پایان رسیده، آن را مناسک مکه نامیدم.»

طبق نوشته صفحه ۱۸ این رساله، مؤلف در سال ۱۱۸۸ق. به حجّ رفته است، اما واضح نیست که در همان سال و همان سفر، این تألیف را در مکه به پایان برده، یا در سفر دیگری پس از آن. اکنون گلچین این بوستان حرمین شریفین را مرور می‌کنیم:

\* اصل قرن المنازل مسجدی است در راه یَعْرُج که از طائف به مکه می‌رود و چون حال از آن راه تردّد نمی‌شود و از راه کِرا تردّد می‌شود، لهذا در این راه، در محاذات آن مسجد، بنایی ساخته‌اند که حال میقات است و احرام از آن جا می‌گیرند. (ص ۲)

\* ابتدای حرم از هر سمتی میل‌های سفید است که از برای علامت حرم نصب کرده‌اند. (ص ۲)  
\* یَلْمَلَم؛ از برای اهل یمن، و آن را سعدیه نیز گویند و آن وادی است مشهور و معروف، و در پای کوهی واقع است و اوایل آن وادی وسیع است، و به جهت کوهی که در میان آن واقع است دو شعبه می‌شود و هر چند در هر موضعی از این وادی احرام گرفتن جایز است لیکن بهتر آن است که در انتهای وادی وسیع که متصل است به کوهی که در میان وادی است و در نزدیکی آن، چاه آن است احرام گرفته شود. (ص ۳-۲)

\* وادی عقیق؛ میقات است از برای اهل عراق و افضل آن وادی، اول آن است که مَسَلَخ گویند و به جهت عراق اقرب است و بعد اوسط آن که غَمْره است. و بعد از آن، ذاتِ عَرَقْ است و بهترین همه مواضع برکه شریفه است و آن مشهور است.

\* چهارم جُحْفَه است از برای اهل شام و آن مسجد کوچکی است که تخمیناً در دو فرسخی رَائِع واقع است و در سمت چپ رَائِع است نسبت به کسی که از مدینه به مکه می‌رود و در سمت قبله مسجد به یک میدان اسب، تخمیناً فاصله خَم غدیر است. (ص ۳)

\* مسجد شجره؛ تخمیناً در یک فرسخی مدینه است و آن فضایی است که آثار دیوار بر آن احاطه نموده است و بالفعل دیواری ندارد و در سمت چپ راه است نسبت به کسی که از مدینه به مکه می‌رود و نزدیک است به گودالی عمیق وسیع که آن را بئر علی رضی الله عنه گویند

و متصل به آن بئر حوض مربع بزرگی است که آب از آن چاه می کشند و به آن حوض می ریزند، از جهت استعمال. و بنایی که متصل است به فضای مسجد و در سمت قبله آن است و تخمیناً نصف آن که در سمت چپ است نسبت به کسی که داخل شود سقف دارد، اما نصف دیگر که دیوار دارد لکن سقف ندارد و آثار سقف دارد و معلوم نیست که از مسجد باشد. (ص ۴-۳)

\* مَعْرَسَ نَبِيِّ ﷺ؛ مسجد کوچکی است که در سمت چپ مسجد شجره است و تخمیناً یک میدان اسب از آن دور است. (ص ۴)

\* راه‌هایی که از مدینه منوره به مکه مشرفه عبور می‌شود، سه راه است: یکی راه شرقی، که از آن راه به مسجد شجره عبور نمی‌شود بلکه به وادی العقیق می‌رسد. پس هر که از آن راه برود باید در وادی العقیق در موضعی که مذکور شد احرام ببندد و دیگری راه سلطانی و دیگری راه فرع و از این دو راه به مسجد شجره عبور می‌شود؛ یعنی تخمیناً یک فرسخ از مدینه گذشته، به مسجد شجره می‌رسد، و بعد از شش منزل به رابع می‌رسد که احرام گاه اهل سنت است و تخمیناً در دو فرسخی رابع، جُحْفَه است (ص ۵-۴).

\* هرگاه ممکن نشود که به اصل جُحْفَه برود، باید در محاذی آن احرام ببندد و محاذات آن تخمیناً یک فرسخ از رابع گذشته است و در سمت چپ راه دیواری نصب است که آن دیوار محاذی جُحْفَه است. (ص ۵)

\* دوری بیداء از مسجد شجره، تخمیناً به قدر یک میل است. (ص ۸)  
\* عقبه مدینین و عقبه ابوطالب؛ در پای آن، از سمت مکه، قبرستان مَعْلَاة و ذی طوی واقع است. (ص ۸)

از هر راهی که به مکه عبور می‌شود، در ابتدای حرم دو میل سفید ساخته‌اند. (ص ۱۵)  
\* باب السلام؛ همان سه در است که معروف است، و از سمت چپ آن نسبت به کسی که داخل مسجد شود دو در است که در برابر طاق بنی شیبه است و مشهور است به باب النساء، و از سمت راست باب الحنّاطین است که حال مشهور است به باب دُرَیبه. (ص ۱۵)

\* رکن عراقی؛ که حَجَر در آن نصب است. (ص ۱۷)  
\* حجر الأُسود؛ در ازمنه سابقه شکسته شده است و حال هفده یا هجده پارچه سنگ سیاه است که به یکدیگر وصل نموده‌اند و بر اطراف آن لاک ریخته‌اند و اطراف لاک را نقره گرفته‌اند و در سنه

هزار و یکصد و هشتاد و هشت که فقیر به زیارت بیت الله شرفیاب گردیده، در روز چهاردهم ذیحجه سال مذکور، دو تنگه نقره که اطراف آن مطلقاً است، بر در حَجَرِ نصب نموده‌اند؛ به نحوی که همه نقره‌های سابق را و اکثر لاک‌ها را پوشاند، لیکن قلیلی از لاک‌ها که متصل به ابتدا و اجزای حَجَرِ است، ظاهر است، و بر بالای تیکه‌های نقره، سُرَب ریخته‌اند. (ص ۱۸)

\* آن‌چه در میان مردم و بعضی از معلّمین مکه که خالی از تدبیرند شهرت یافته است، آن است که دو سنگی که در برابر حَجَرِ الْأَسْوَدِ رو به چاه زمزم نصب کرده‌اند و یکی سفید و دیگری سرخ اندک مایل به زردی است و سفید به زمزم نزدیک‌تر است از سرخ، فاصله میان این دو سنگ برابر جزء اول حَجَرِ است و این اشتباه محض است؛ زیرا که فاصله مذکوره تخمیناً به قدر یک قدم و نیم از جزء اول حَجَرِ دور است و در عقب آن است؛ به این معنا که فاصله به رکن یمانی نزدیک‌تر است از جزء اول حَجَرِ. و حقیر مکرّر تحقیق نمودم و در حضور جمعی اعتبار کردم تخمیناً یکقدم و نیم به قلیلی کمتر از فاصله مذکور گذشته برابر جزء اول حَجَرِ است (ص ۱۹). در امثال این زمان، آن دو سنگ موجود است (ص ۲۰).

\* اگر العیاذ بالله، حَجَرِ الْأَسْوَدِ را دشمنی بردارد، طواف از مردم ساقط نخواهد شد، بلکه در این صورت باید در برابر رکن حَجَرِ؛ یعنی رکن عراقی ایستاد و نیت کرد و روانه شد. (ص ۲۰)

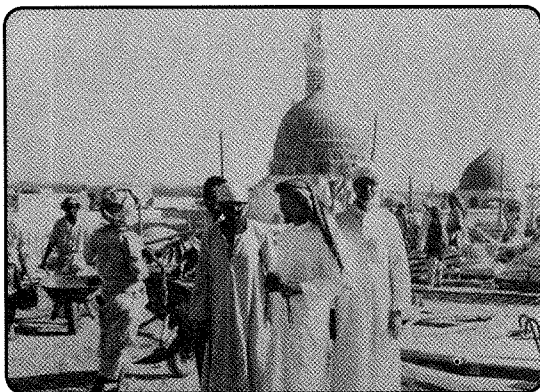
\* از حجر تا ستون‌های آهنین که انتهای مسجد است و نزدیک به مقام خضر است تخمیناً بیست و یک گام است. (ص ۲۲)

\* رکن عراقی؛ همان است که حجر الْأَسْوَدِ در آن منصوب است. (ص ۲۴)

\* مستجار؛ قریب به رکن یمانی است از سمتی از سمتی از خانه که در مابین رکن یمانی و رکن مغربی است و آن در مقابل در خانه است و به قدری که در خانه از زمین مرتفع است مستجار نیز از زمین به آن قدر مرتفع است و آن تخمیناً نه شبر است و به قدری که در خانه دور است از رکن حَجَرِ الْأَسْوَدِ، مستجار به آن قدر از رکن یمانی دور است، و آن تخمیناً دو شبر و نیم است [کذا] و همین قدر که مابین در خانه و رکن عراقی است عبارت است از حطیم، و به قدری که عرض در خانه است که هشت شبر باشد عرض مستجار نیز به آن قدر است و آن عبارت است از دو سنگ بزرگ و یک سنگ کوچک که تخمیناً نصف یکی از آن دو سنگ می‌شود و در انتهای آن، که به جانب رکن مغربی است، سنگ سرخ سماق مدوری در

زمین نصب نموده‌اند و طول آن به قدر طول در خانه است. (ص ۲۵-۲۴)

\* مراد به مقام ابراهیم؛ همین سنگی است که معروف است و بر فوق آن ضریح چوبی است و در میان بنا و قبّه‌ای است که معروف و مشهور است و بنایی که بر آن واقع است شرعاً از آن خارج است، اگر چه عرفاً اطلاق مقام بر آن می‌شود و باید این دو رکعت نماز را در اصل



مقام بکند یا در عقب آن و چون در اصل مقام، در این زمان ممکن نیست به اعتبار این که در آن قبّه بسته می‌باشد، لِهَذَا باید در عقب مقام نماز کرد. بهتر آن است که در برابر وسط مقام بایستد به نحوی که قفل ضریح مقام رو به قبله او باشد. (ص ۲۸-۲۷)  
اعتماد به قول بعضی از معلّمین که در مکه معظمه متوجّه یاد دادن مناسک حجّاج می‌باشند، بدون علم

داشتن به عدالت و فقاہت ایشان، بی صورت است. (ص ۲۹).

\* باب الصفا؛ پنج دری است که مشهور است و در برابر مابین رکن یمانی و رکن عراقی واقع‌اند. (ص ۳۰)

\* مخفی نماند که حال در موضعی که مشهور به صفا و مروه است، کوهی [نیست] لیکن نظر به ارتفاعی که دارند معلوم می‌شود که ابتدا دو تلّ بوده است و به جهت آن که بعضی از هر یک از دو تلّ را تسویه [و هموار] نموده‌اند و بر بالای آن خانه ساخته‌اند، وضع آن تغییر یافته است. (ص ۳۱) و سنّت است که در مابین دو مناره که در میان صفا و مروه واقع‌اند، هروله کند. (ص ۳۱)

\* چون به ابطح رسد صدا را به تلبیه بلند کند و ابطح موضعی است مشهور و از راهی که به عرفات می‌روند، بعد از تمام شدن خانه‌های مکه، به اندک مسافتی به ابطح می‌رسد. (ص ۳۴)  
\* کوه نبیره؛ کوهی بزرگ که در مشعر واقع است، در طرف راست کسی است که از منا به مشعر می‌رود و اول کوهی است که آفتاب بر آن می‌تابد. (ص ۳۷)

✽ ابتدای وادی مُحَسَّر، نسبت به آن که از مشعر به منا می‌رود انتهای مشعر است و آن موضعی است از مابین دو کوه، که بر عرض راه سنگ‌ها منصوب است و زمین گودتر و سرازیر می‌شود و از آن‌جا پانصد و چهل ذرع داخل وادی مُحَسَّر است. (ص ۳۷-۳۸)

✽ نوحاجی یعنی کسی که مرتبه اول باشد که به حج رفته باشد. (ص ۳۹)  
✽ جمره عقبه؛ آن است که هر که از مکه به منا می‌رود، ابتدا به او می‌رسد و در سمت چپ راه است و در دیوار بزرگی که متصل به تلی نصب است؛ به نحوی که همین یک روی آن ظاهر است. (ص ۴۴)

✽ بهترین مواضع مسجد خیف؛ مسجد حضرت رسول است؛ یعنی آن‌چه در عهد آن حضرت مسجد بوده است و از نزد مناره که در وسط مسجد است و متصل به آن قبه نباشد تا سی ذرع از سمت قبله و سی ذرع از جانب راست و سی ذرع از جانب چپ، مسجد آن حضرت است. ظاهر آن است که محراب آن حضرت محرابی باشد که حال در آن قبه است یا نزدیک به آن است. (ص ۴۵)

✽ باب الحنّاطین؛ که حال آن را باب الدُریبه گویند و در برابر رکن شامی ۲ است و نسبت به کسی که داخل مسجد می‌شود از باب السلام، اول دری است که از سمت راست باب السلام است (ص ۴۶-۴۷).

✽ مسجد الحرام؛ آنچه محقق است که در عصر پیغمبر ﷺ همان قدر بوده، همان قدری است مدوّر که ستون‌های آهنین که سی و یک است و دو ستون مرمر که از دو طرف ستون‌های آهنین است، بر آن احاطه نموده است و ظاهر آن است که مربع مستطیل که از سنگ مفروش است و مشتمل است بر زمزم و طاق بنی شیبیه و منبر چوبی، و منبر مرمر و مقام ابراهیم داخل مسجد باشد و اگر چه خارج است از قدر مدوّری که محاط ستون‌های آهنین است. (ص ۴۸)

✽ حطیم؛ قدری است از دیوار خانه، که مابین حجر الأَسود و در خانه است و بعد از آن معجّن و مصلاّی حضرت ابراهیم. و معجّن زمین گودی است که نزدیک به دیوار در خانه کعبه است و مصلاّی حضرت رسول در وسط مابین رکن یمانی و حجر الأَسود است، نزدیک به دیوار خانه و موضع سجده متصل به شاذروان است و بر موضع سجده سنگ مدوّری از یشم نصب است. و مصلاّی حضرت ابراهیم در مابین رکن شامی ۳ و معجّن، اما نزدیک به

معجن است و بر بالای آن در شاذِرُوآن، سنگ مرمر سفیدی نصب است که بعضی آیات قرآن بر آن نوشته‌اند. (ص ۴۹-۴۸)

✽ خانه خدیجه؛ که دارالوحی و مولد حضرت فاطمه است و در سوق صباغین است نزدیک به بازار صفا و مروه است، در جانب راست کسی که از صفا به مروه می‌رود و قبه معروفی دارد و متصل به آن مسجدی است. سنت است به آنجا رفتن و نماز تحیت آن موضع را به جا آوردن و حوائج خود را طلب کردن. مثل مولد نبی ﷺ که در سوق اللیل است و قبه معروفی دارد و بر فوق آن شبیه به مناره از چوب ساخته‌اند. قبر خدیجه که در قبرستان معلاّه و نزدیک به انتهای قبرستان است که در پای کوه واقع است و قبه معروفی دارد که اصل قبه سفید و پایین آن در است، باید در آنجا خدیجه را زیارت کرد و همچنین آمنه<sup>۴</sup> و والده حضرت رسول ﷺ را، و قبر او نزدیک قبر خدیجه است و اندکی در بالای آن است از طرف راست کسی که از مکه به آن کوه رود و همچنین سنت است زیارت کند ابوطالب و والد حضرت امیر و عبدالمطلب جد رسول خدا را، و قبر ایشان بر بالای قبر خدیجه و آمنه است و بر دور آن دیواری است که بعد از آن تا کوه بیش از یک حظیره نیست که می‌گویند شخصی از درویشان که اهل سنت به او معتقدند در آن مدفون است و حظیره‌ای که ابوطالب و عبدالمطلب در آن مدفونند دری دارد که در دست راست کسی است که از قبر خدیجه به جانب کوه رود و از یک سمت این حظیره که رو بروی در است، حظیره‌ای است که از این حظیره مرتفع‌تر است و در قبه آن محرابی است و در برابر دو قبر است که یکی قبر ابوطالب است و دیگری قبر عبدالمطلب و قبر دیگر هست که متصل به دیوار است از دست راست در. بعضی می‌گویند آن قبر عبد المناف است اما مشکوک فیه است و معلوم نیست و در بازار صباغین در نزدیک خانه خدیجه سنگی بر دیوار نصب است که آن را حَجَر متکلم گویند و در نزد اهل مکه شهرتی دارد که این سنگی است که سلام بر حضرت رسول الله کرده و به او تکلم نموده، و این معلوم نیست. و حدیثی نرسیده که دلالت بر آن کند. (ص ۵۱-۵۰)

### مدینه منوره

✽ از دری که مسمّا به باب جبرئیل است داخل مسجد رسول الله ﷺ شود و آن دری است که نزدیک به مقام جبرئیل و از سمت بقیع است و به این جهت آن را «باب البقیع» نیز گویند



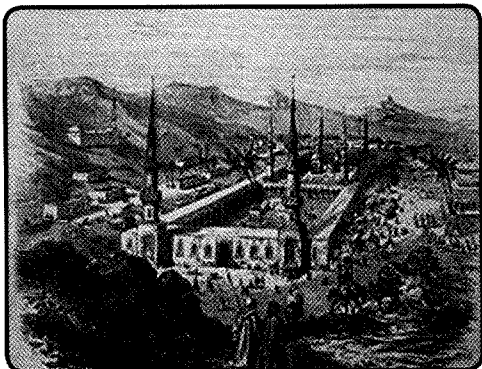
و این در، از جانب مشرق است و در دیگر نیز از این سمت است مسماً به «باب النساء» است. دو در دیگر که از جانب مغرب واقعند؛ یکی مسماً است به «باب السلام» و آن دری است که چون کسی از دروازهٔ مصری داخل بازار مدینه شود و به استقامت از بازار برود به آن در می‌رسد، و دری دیگر مسماً به باب الأموات و باب الرحمه است. (ص ۵۲-۵۱)

\* استوانهٔ نبی ﷺ؛ آن ستونی است که در بالای سر حضرت، در شُبَاکِ قبر منصوب است و در محاذات آن از جانب طول مسجد؛ یعنی از جانب منبر استوانهٔ ابولبابه است و بعد از آن استوانهٔ عایشه است و بعد از آن، استوانهٔ خلفاست و بعد از آن استوانهٔ عباس و عبدالرحمان و زیدبن سعید است و در محاذات آن، از جانب عرض مسجد؛ یعنی از سمت شُبَاکِ قبر که سمت محجّر باشد، استوانهٔ حضرت امیر است و بعد از آن استوانهٔ وفود است و اسم هر یک از این ستون‌ها بر آن نوشته است و به هر صورت به نزد استوانهٔ نبی ﷺ رود که در بالای سر مبارک است (ص ۵۳-۵۲)

\* پس رود به مقام جبرئیل و آن در سمت باب بقیع است و بر آن شُبَاکِ است که مابین قبر پیغمبر و قبر فاطمه است و در نزدیکی در حُجْرَهٔ حضرت فاطمه است که در آن جا آن حضرت را زیارت می‌کنند و قبل از این، بر بالای آن ناودانی بوده است و حال نیست و در آن جا این دعا که مشهور به دعای دم است بخواند: «أَيُّ جَوَادٍ أَيْ كَرِيمٍ، أَيُّ قَرِيبٍ أَيْ بَعِيدٍ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُرَدَّ عَلَيَّ نِعْمَتُكَ» و هر زنی که مستحاضه باشد و این دعا را بخواند پاک می‌شود. پس دو رکعت نماز زیارت حضرت رسول بکند و بهتر آن است که این نماز را در مقام آن حضرت به جا آورد و آن نزد ستونی است که مابین محراب و منبر است و در یسار شمعدان است. (ص ۵۵-۵۴)

\* ظاهر آن است که حدّ مسجد آن حضرت در بنای ثانی به آن حدّ رسیده، از سمت طول از شُبَاکِ قبر است تا موضعی که زمین مرتفع می‌شود و در سمت قبله محجّر دارد و تخمیناً هفتاد گام است و مشتمل بر ده ستون است که یکی از آن ده بر ابتدای موضع مرتفع منصوب است و از سمت عرض از نزد محجّر سمت قبله است تا جایی که زمین مرتفع می‌شود و سقف و ستون تمام می‌شود و تخمیناً پنجاه و چهار پنج گام است و ستون‌های این سمت نه است و آن چه از این قدر زیادتر است بعد از آن حضرت به هم رسیده است و از جمله مسجد آن حضرت محسوب نمی‌شود. هر یک از باب الوفود و باب الرحمه که دو در است از چهار

در خانه پیغمبر که در او مدفون است و هر یک در یک جهت خانه واقع است بایستد و دعا کند. و باب الوفود در غربی است که در سمت مسجد است و در نزد استوانه وفود است و این دری است که پیغمبر ﷺ در اوقات نمازها از آن جا داخل مسجد می شده است. و باب الرحمه دری است که در سمت قبله، در پیش روی قبر است در نزد شُباک پیش روی قبر و این،



الحال مسدود است اما پنجره از فولاد بر آن نصب کرده اند که از آن معلوم است که ابتدا در بوده است و دو در دیگر که یکی شرقی است و سمت بقیع است و آن در حجره حضرت فاطمه است که در نزد آن در، آن حضرت را زیارت می کنند و آن مسما به باب فاطمه است و دیگری در شمالی است که او نیز فضایی است که

مسقف نیست و خدمه و خواجه های حرم در آن جا می نشینند و این مسما به «باب علی» است.<sup>۷</sup>  
 \* آنچه وارد شده است از استحباب مسح سر رُمَانتین منبر حضرت رسول ﷺ و مالیدن دو چشم ها بر آن، ظاهر آن است که در این زمان نباشد؛ زیرا که این منبر سنگی که حال موجود است منبر آن حضرت نیست و دو شبیه به رمانه از برنج که در دو طرف منبر منصوب است رُمَانتین منبر آن حضرت نیست بلکه این منبر و این دو شبیه به رمانه، بعد از آن حضرت احداث شده است. (ص ۵۷-۵۶)

\* بدان که در موضع قبر حضرت فاطمه اختلاف است و آنچه اقوی و اصح است و محققین شیعه و جمیع اهل سنت بر آن اتفاق نموده اند، آن است که در حجره خود که در پشت حجره حضرت رسول است و بر آن ضریح است، مدفون است. و بعضی گفته اند که در ما بین قبر و منبر مدفون است و بعضی گفته اند در بقیع در بقعه ائمه بقیع مدفون است؛ در موضعی که حال پرده سبزی بر آن آویزان است و هر چند اصح، قول اول است؛ همچنان که بنای سنیان بر آن است، اما افضل آن است که آن حضرت را در این سه موضع زیارت کنند و اکمل آن است که آن معصومه را در بیت الأحران او که در نزدیکی قبه ائمه بقیع است نیز زیارت کند. (ص ۵۸)

❖ اما زیارت ائمهٔ بقیع، چون خواهد داخل شود دعای اذن بخواند و بعد از دخول خود را به ضریح مقدس بچسباند و آن را بوسد. (ص ۶۰)

❖ عباس عمّ پیغمبر ﷺ در نزد چهار امام مدفون است و در قبرستان بقیع دختران رسول ﷺ و دختران حضرت امیر ﷺ و زنان آن حضرت و عقیل برادر حضرت امیر و ابراهیم فرزند حضرت رسول و حلیمهٔ سعديه، مادر رضاعی پیغمبر و فاطمهٔ بنت اسد والدة حضرت امیر را زیارت کند. و اول قبه‌ای که برابر قبهٔ ائمهٔ بقیع است و در سمت چپ آن است، نسبت به کسی که از [دیوار] مدینه [به سوی بقیع] بیرون آید، قبه‌ای است که در آن رقیه و زینب و ام کلثوم، دختران پیغمبر و زینب و ام کلثوم دختران حضرت امیر و فاطمهٔ صغری دختر حضرت امام حسین ﷺ در آن مدفونند، و قبه‌ای که متصل به قبهٔ دختران است قبهٔ زنان پیغمبر است و همهٔ زنان آن حضرت در آن جا مدفونند مگر خدیجه و میمونه. و قبه‌ای که متصل به قبهٔ زنان است، قبهٔ عقیل است و بعد از آن، دو قبهٔ است؛ یکی از مالک، سر مذهب سنّیان و دیگری از نافع قاری، و بعد از آن دو قبه، قبه‌ای است بزرگتر که در آن ابراهیم پسر حضرت رسول مدفون است و ضریحی دیگر در آن است که در آن جا عثمان بن مظعون و عبدالله بن مسعود و عبدالرحمان بن عوف مدفونند. و در انتهای قبرستان دو قبهٔ است؛ یکی در طرف راست است، نسبت به کسی که خارج شده از دیوار مدینه و مرّیع است و در بالای آن شبیه به میلی است. مشهور میان سنّیان آن است که از عثمان بن عفان است و بعضی می‌گویند از عثمان بن وسید است و آن که در طرف چپ است، از حلیمهٔ سعديه، مادر رضاعی پیغمبر است. و قبه‌ای که از قبرستان خارج است و در نخلستان واقع است، از فاطمهٔ بنت اسد است. و قبه‌ای که در ابتدای بقیع متصل به دروازه است، قبه‌ای است که در آن عمه‌های پیغمبر صفیه و عاتکه در آن مدفونند (ص ۶۳-۶۲)

❖ اسماعیل پسر امام جعفر صادق ﷺ قبهٔ او داخل مدینه است اما متصل به سُور مدینه است که در سمت بقیع است و برابر قبهٔ ائمهٔ بقیع است و در سمت چپ اوست دروازهٔ مصری نسبت به کسی که داخل دروازه شود قبه است در مدینه که آن از مالک بن سنان والد ابو سعید خدری است که از شهدای اُحد است و در سمت چپ دروازه نسبت به داخل کوجه است که

در آن جا می رود تا مدفن او که بر فوق آن قبه مذکوره است و بر روی قبر او ضریحی است، او را زیارت کنند. و از یمین کوچه مذکوره کوچه ای است که مشهور است به زقاق اسطوان که از آن جا بعد از چند گردش به خانه ای می رسد که مشهور است حال به «بیت ابی النبی» و در نزد اهل مدینه شهرت یافته که والد پیغمبر در آنجا مدفون است و در آن جا صندوقی است در جوف ضریح چوبی و می گویند: قبر او در میان ضریح است. و بسیاری از مشایخ مکه منکر این بودند و می گفتند در شام مدفون است. و بعضی موضع دیگر را نشان می دهند که در آن جا مدفون است. و اصح آن است که در مدینه در خانه مذکور مدفون باشد. همچنانکه نزد اهل مدینه مشهور است و بعضی از اهل تواریخ نیز چنین نقل کرده اند. (ص ۶۵-۶۴)

✽ همچنین به مشربه ام ابراهیم رود و نماز کند و به مسجد قبا رود و نماز کند. (ص ۶۵).

### پی نوشت:

۱. ذات عرق مهل؛ یعنی میقات و احرام بستن گاه حاجیان عراق باشد و آن حد میان نجد و تهامه است. و بعضی گویند عرق کوهی است به راه مکه و ذات عرق، بدانجاست.
۲. رکن شامی به نظر ملا مهدی نراقی آن است که پس از عبور از در کعبه مشرفه در حین طواف، اولین رکن است نه بعدی آن، و مشهور مؤلفان آن را رکن عراقی می نامند. اما به نظر نراقی رکن عراقی آن است که حجر الأسود بر آن منصوب است.
۳. همان.
۴. قبر حضرت آمنه در ابواء بین مکه و مدینه است.
۵. در این کتاب، باب البقیع را بر باب جبرئیل اطلاق کرده به دلیل آنکه به سمت بقیع است، و اما امروزه درب جدیدی گشوده اند و نام آن را باب البقیع نهاده اند، و مقصود مؤلف این باب نیست.
۶. همان.
۷. مقصود وصف چهار در مقبره حضرت رسول الله ﷺ است که در چهار جهت بوده است.